

تقریرات درس خارج فقه حضرت آیت الله دیباجی اصفهانی (مد ظله العالی)

(درس های ۳۴۶-۳۴۹)

درس سیصد و چهل و سوم

بسم الله الرحمن الرحيم

ماء غسل الميت

مسألة ۴. ليس لماء غسل الميت حد بل المناط كونه بمقدار يفي بالواجبات أو مع المستحبات نعم في بعض الأخبار أن النبي ﷺ أوصى إلى أمير المؤمنين عليه السلام أن يغسله بست قرب و التأسى به ﷺ حسن مستحسن.

برای آب غسل میت حد معینی نیست، بلکه باید به مقداری باشد که به واجبات و مستحبات (غسل) برسد و ایفا کند.
در مکاتبه صفار آمده است:

«أخبرني الشيخ رحمه الله عن أحمد بن محمد عن أبيه عن الصفار قال: كتبتُ إلى أبي محمد عليه السلام كم حد الماء الذي يُغسلُ به الميتُ كما رووا أنَّ الجنبَ يغتسلُ بستةِ أرطالٍ و الحائضُ بتسعةِ أرطالٍ فهل للميت حدٌ من الماء الذي يُغسلُ به فوقَ الستةِ

حَدُّ غَسْلِ الْمَيْتِ أَنْ يُغَسَّلَ حَتَّى يَطْهَرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»^۱.

قال الصدوق: «قال الصدوق» وَ هَذَا التَّوْفِيعُ فِي جُمْلَةِ تَوْفِيعَاتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدِي بِخَطِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي صَحِيفَةٍ»^۲.

و ورد فی روایت فضیل سکره قال:

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ فَضِيلِ سُكْرَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَلْ لِلْمَاءِ الَّذِي يُغَسَّلُ بِهِ الْمَيْتُ حَدٌّ مَحْدُودٌ قَالَ إِنْ رَسُولَ اللَّهُ ﷺ قَالَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَنَا مِتُّ فَاسْتَقِ لِي سِتًّا قَرَبًا^۳ مِنْ مَاءٍ بَثْرَ غَرَسٍ فَأَغْسِلْنِي وَ كَفِّنِي وَ حَنِّطْنِي فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ غُسْلِي وَ كَفَّنِي وَ حَنِّطْنِي فَخُذْ بِمَجَامِعِ كَفْنِي وَ أَجْلِسْنِي ثُمَّ سَلْنِي عَمَّا شِئْتَ فَوَاللَّهِ لَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَجَبْتُكَ فِيهِ»^۴.

این روایت دلالت بر تحدید آب غسل میت دارد، لکن سنداً ضعیف است به خاطر فضیل سکره، چون در علم رجال توثیق نشده است. بنابراین، حدی برای آب غسل میت تعیین نشده است.

مسألة ۵. إذا تعذر أحد الخليطين سقط اعتباره و اكتفى بالماء القراح بدله و يأتي

بالأخيرين و إن تعذر كلاهما سقطا و غسل بالقراح ثلاثة أغسال.

برخی از فقها فرموده اند: اگر سدر یا کافور یا هر دو، متعذر شد و پیدا نشد، میت را سه غسل با آب خالص بدهند.

و فيه اشكال: اگر به قاعده المیسور تمسک کرده باشد. از امام امیرالمؤمنین علیه السلام نقل

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۶، باب ۲۷ من ابواب غسل المیت، الکافی، ج ۳، ص ۱۵۰؛ التهذیب، ج

۱، ص ۴۳۱.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، صص ۸۶ و مسائل الشیعه، ج ۳۹۶.

۳. قَرَبٌ، جمع قربه به معنای مشک آب.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۵۳۷، باب ۲۸ من ابواب غسل المیت

شده که فرموده‌اند: «المیسور لا یسقط بالمعسور» و عنه علیه السلام «ما لا یدرک کله لا یترک کله»^۱.
 روایاتی که در (غوالی) نقل شده از نظر سند معتبر نیست؛ زیرا صاحب آن (ابن ابی‌جمهور احسانی) در این جهت تقید نداشته است و سند احادیث را بررسی نمی‌کرده‌اند.
 اولاً.

قاعده المیسور لا یسقط بالمعسور

و ثانیها: غسل با آب قراح میسور غسل با آب سدر نیست دو چیز متباین هستند. بله، اگر آب، فقط به سر و گردن میت می‌رسد، اما به جانب راست و چپ میت نمی‌رسد (برای غسل دادن).

ممکن است کسی بگوید: باید سر و گردن میت را غسل داده (لان المیسور لا یسقط بالمعسور). گرچه در چنین موردی نیز مشهور تمسک ننموده‌اند به این حدیث و گفته‌اند باید میت را تیمم داد. و اگر به استصحاب تمسک کرده باشد، قبل از تعذر خلیط، غسل واجب بود، اکنون نیز واجب است.

و فیه اشکال: این استصحاب حالت سابقه ندارد و اگر استصحاب تعلیقی باشد (لو کان المیت قد مات فی حال التمكن من الخلیط کان الغسل واجباً لوجوب الغسل بالخلیط و انه الان کما کان).

و فیه: استصحاب تعلیقی در احکام جاری نمی‌شود چه رسد در موضوعات، مانند العنب اذا غلی یحرم و در کشمش، ما بخواهیم استصحاب جاری کنیم.

استصحاب تعلیقی

قبل از مرحوم نائینی رحمته الله استصحاب تعلیقی را حجت می‌دانستند، لکن از زمان ایشان و بعد از ایشان قائل به حجیت آن نیست (البته در احکام).
 اما در موضوعات، مثلاً اگر لباسی پوشیده که از اجزای مالا یؤکل لحمه نیست، حال

^۱. غوالی اللثالی، ج ۴، ص ۵۸.

اگر در لباس مشکوک نماز خواند، استصحاب تعلیقی بر این نحو جاری شود «انه لو وقعت من الصلوة لكانت في غير ما لا يؤكل لحمه» پس نماز او صحیح است.

استصحاب الحکم التخیری مانند وجوب نفقة الزوجة المطیعه. حال اگر زوجه غنیه شد و شک کردیم، موضوع وجوب نفقة زوجه مطیعه است یا زوجه مطیعه فقیره استصحاب می کنیم حکم زوجه مطیعه را.

استصحاب الحکم التعلیقی، مانند العنب اذا غلی یحرم نسبت به زبیب می گوئیم: لو كان اذا غلی یحرم لان نیز اذا غلی یحرم، حرمت معلقه بر غلیان را برای کشمش استصحاب کنیم.

عدم حجیت استصحاب التعلیقی

و چون استصحاب تعلیقی صحیح نیست به ناچار باید میت را تیمم دهند عوض سدر و کافور علی القاعدة ولكن به جهت فتوای مشهور باید جمع شود بین تیمم و آب قراح (سه غسل با آب قراح) للاحتیاط.

اما قصد البدلیه

مرحوم سید می فرماید: «و نوب بالاول ما هو بدل السدر و بالثانی ما هو بدل الكافور». فیه اینکه این یک واجب علیحده است به دلیل قاعدة (المیسور) باید به دلیل استصحاب، پس غسل با آب قراح عین واجب اول است نه آنکه بدل باشد، مگر از باب احتیاط.

مسألة ٦. إذا تعذر الماء یتیمم ثلاث تیممات بدلا عن الأغسال علی الترتیب

برای وجوب تیمم استدلال شده به مطلقات که دلالت دارد بر اینکه تراب یا تیمم با احد الطهورین^۱.

صاحب جواهر اشکال نموده:

١. تیمم جانشین وضو و آب است، اما از سدر و کافور جانشینی کند از کجا.

١. وسائل الشیعه، ج ٢، ص ٣٨٥، باب ٢٣ من ابواب التیمم.

۲. تیمم رافع حدث است نه رافع خبث و غسل میت رافع حدث و خبث است، پس تیمم نمی تواند بدل آن باشد.

و فيه: واجب غسل میت است به آب، نهایت مقداری سدر و کافور در آن بریزند به طوری که آب از آب بودن خارج نشود، پس سدر و کافور مأمور به نیست و تیمم می تواند بدل آب شود.

و اما اشکال دوم ایشان وارد است، ولیکن روایات دافع اشکال می باشد.

إذا اجتمعت سنة و فريضة يدء بالفرض

روایت تفلیسی: «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ التَّفَلِيسِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ مَيِّتٍ وَ جُنْبٍ اجْتَمَعَا وَ مَعَهُمَا مَا يَكْفِي أَحَدَهُمَا أَيُّهُمَا يَغْتَسَلُ قَالَ إِذَا اجْتَمَعَتِ سَنَةٌ وَ فَرِيضَةٌ بُدِيَ بِالْفَرَضِ»^۱

دلالت دارد که ابتدا بشود به فرض (یعنی غسل جنابت) اما میت با تیمم دفن شود، دلالت ندارد. علاوه، سندش به واسطه تفلیسی ضعیف است.

روایت حسین بن النضر الارمنی: «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْأَرْمَنِیِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَاءَ عليه السلام عَنِ الْقَوْمِ يَكُونُونَ فِي السَّفَرِ فَيَمُوتُ مِنْهُمْ مَيِّتٌ وَ مَعَهُمْ جُنْبٌ وَ مَعَهُمْ مَاءٌ قَلِيلٌ قَدَرًا مَا يَكْفِي أَحَدَهُمَا أَيُّهُمَا يَبْدَأُ بِهِ قَالَ يَغْتَسَلُ الْجُنْبُ وَ يُتْرَكُ الْمَيِّتُ لِأَنَّ هَذَا فَرِيضَةٌ وَ هَذَا سَنَةٌ»^۲.

دلالتش به اطلاق است اما دفن میت بالتیمم، دلالت ندارد. به علاوه، سندش به واسطه حسین بن النضر الارمنی ضعیف است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۶، باب ۱۸ من ابواب التیمم.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۶، باب ۱۸ من ابواب التیمم.

درس سیصد و چهل و هفتم

بسم الله الرحمن الرحيم

التیمم بدل الغسل (غسل المیت)

مسألة ٦. إذا تعذر الماء يتيمم ثلاث تيممات بدلا عن الأغسال على الترتيب

یکی از روایاتی که مورد استدلال قرار گرفته برای تیمم میت (هنگام نبودن آب) صحیحهُ عبدالرحمن بن ابی نجران است که مرحوم صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نقل نموده و صاحب وسائل در جلد سوم باب ۱۸ من ابواب التیمم نقل کرده: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ ثَلَاثَةِ نَفَرٍ كَانُوا فِي سَفَرٍ أَحَدُهُمْ جُنُبٌ وَ الثَّانِي مَيِّتٌ وَ الثَّلَاثُ عَلَى غَيْرِ وُضوءٍ وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَ مَعَهُمْ مِنَ الْمَاءِ قَدْرٌ مَا يَكْفِي أَحَدَهُمْ مِنْ يَأْخُذُ الْمَاءَ وَ كَيْفَ يَصْنَعُونَ قَالَ يَغْتَسِلُ الْجُنُبُ وَ يُدْفَنُ الْمَيِّتُ بِتَيْمَمٍ وَ يَتَيْمَمُ الَّذِي هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضوءٍ - لِأَنَّ الْغُسْلَ مِنَ الْجَنَابَةِ فَرِيضَةٌ وَ غُسْلُ الْمَيِّتِ سُنَّةٌ وَ التَّيْمَمُ لِلْآخِرِ جَائِزٌ»^۱

يدفن المیت بتیمم

صاحب مدارك روایت را بدون لفظ (تیمم) نقل کرده و روایت را به (عبدالرحمن بن الحجاج) اسناد می دهد. البته هر دو (ابن الحجاج و ابن ابی نجران) معتبرند. صاحب حدائق نقل می کند که شیخ طوسی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در کتاب تهذیب بدون لفظ (تیمم) نقل کرده است. ولكن صاحب وسائل از تهذیب نقل می کند با لفظ (تیمم). بنابراین، نقل شیخ طوسی مجهول است؛ زیرا معلوم نیست لفظ (تیمم) را دارد یا نه.

پس نقل مرحوم صدوق در من لایحضره الفقیه که با لفظ (تیمم) آورده، بدون معارض

^۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۵، باب ۱۸ من ابواب التیمم؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۲.

می شود، ولكن صاحب وافی و منتفی هر دو روایت را از من لایحضر بدون لفظ (تیمم) نقل می کند و همیچنین علامه مجلسی. پس ادله اعتبار خبر واحد نه روایت شیخ را شامل می شود و نه روایت صدوق را.

دوران امر بین النقیصه و الزیاده

ربما یقال که در دوران امر بین نقیصه و زیاده الاصل عدم الزیاده جاری می شود (و زیاده را اخذ می کند و می گوید: اصل آن است که کلمه تیمم زاید نیست) زیرا غالباً سهو و اشتباه در اسقاط کلمه رخ می دهد و نه در اضافه، پس نمی توان گفت: کلمه (تیمم) سهو اضافه شده است الاصل عدم الزیاده.

فانه یقال: با جریان این اصل ظن برای ما حاصل می شود که روایت مشتمل بوده بر لفظ (بتیمم) و ساقط شده و «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً» و این ظن حجت نیست. علاوه، اگر تیمم برای میت جایز بود، امام علیه السلام می فرمود: (و التیمم) لهما جایز، برای محدث بحدث اصغر و برای میت تیمم جایز است.

لان غسل الجنابه فریضه و غسل الميت

و اما تعلیل که در روایت وارد شده است: «قال علیه السلام: لِأَنَّ الْغُسْلَ الْاُجْنَابَةَ فَرِيضَةٌ وَ غُسْلَ الْمَيِّتِ سُنَّةٌ وَ التَّيْمُمُ لِلْآخِرِ جَائِزٌ».^۱

اگر مراد از فریضه، واجب باشد، غسل میت نیز واجب است و اگر مراد از فریضه آن باشد که دستورش در قرآن آمده: کقوله تعالی: «وَ اِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا».^۲ «وَ لَا جُنْبًا اِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا».^۳

و مراد از (سنت) آن باشد که دستورش در روایات آمده، این احتمال خوب است. الا

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۵، باب ۱۸ من ابواب التیمم؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. مائده / ۶.

۳. نساء. ۴۳.

اینکه دستور وضو نیز برای محدث بحدث اصغر. در کتاب خدا آمده است: «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ ... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»^۱. بنابراین، روایت مجمل می شود و قابل استدلال نیست.

هل الواجب تیمم واحد او ثلاثة تیممات

و هل الواجب تیمم واحد او ثلاثة تیممات

المشهور تیمم واحد، مشهور گفته اند اغسال، گرچه متعدده است، لکن اثرش طهارت است و این طهارت با تیمم واحد حاصل می شود.

و فيه اشکال: در مستحاضه متوسطه که غسل و وضو بر آن واجب است، اگر متعذر شد و نتوانست غسل و وضو بگیرد، دو تیمم باید بکند؛ زیرا تیمم بدل از غسل و وضو است و بدل، نیز مانند مبدل منه، باید متعدد باشد؛ زیرا هر کدام از غسل و وضو مأمور به است، اگر متعذر شوند، نوبت به بدل آنها می رسد. در مانحن فیه (غسل المیت) نیز اغسال متعدده است، اگر متعدد شدند، نوبت به بدل آنها می رسد.

علاوه، اینکه فرموده اند: اغسال، گرچه متعدده است، لکن اثرش یک چیز است وهو الطهارة.

ما می گوئیم: اثرش سه چیز است، سه غسل باید انجام دهد و اثرش سه طهارت است.

عدم جریان قاعدة التجاوز فی الوضوء

بله در موارد شک در محصل نمی توان براءت جاری کرد و لذا مرحوم شیخ انصاری رحمته الله قائل شده که قاعدة تجاوز در این امور (غسل و وضو و تیمم) جاری نمی شود؛ زیرا از موارد شک در محصل است و باید احتیاط نمود، ولکن در مانحن فیه سه طهارت تحصیلش واجب است نه یک طهارت. بله، بنا بر احوط در تیمم سوم نیت بدلیت از مجموع را یا از غسل بالقراح را داشته باشد تا جزم به امتثال پیدا کند؛ زیرا اگر واجب، تیمم واحد باشد، بدل

۱. مائده / ۶.

از جميع اغسال آن را انجام داده و اگر تیممات متعدده باشد، آن را نیز انجام داده است و لذا مرحوم سید فرموده: «و إن نوى في التيمم الثالث ما في الذمة من بدلية الجميع أو خصوص الماء القراح كفى في الاحتياط».

إذا لم يكن عنده من الماء إلا بمقدار غسل واحد

مسألة ۷. إذا لم يكن عنده من الماء إلا بمقدار غسل واحد.

اگر آب فقط به مقدار یک غسل بیشتر نداشته باشد، اگر سدر و کافور متعذر شد، باید آب را بدل از غسل (با آب سدر) استعمال کند و دو تیمم بدل با آب کافور و آب قراح انجام دهد تا ترتیب حاصل شود؛ زیرا برای غسل دو و سوم عنوان فاقد الماء بر او صادق است. اگر سدر تنها موجود است، باید آب موجود را در غسل اول (غسل با آب سدر) مصرف نماید؛ زیرا شرط صحت غسل با آب کافور و قراح، تأخر آنهاست از غسل با آب سدر. اگر کافور تنها دارد، باید آب موجود را در غسل با آب کافور استعمال کند؛ زیرا متمکن از غسل است و نسبت به غسل اول و سوم تیمم کند.

و اگر سدر و کافور هر دو موجود باشد، باید آب موجود را در غسل با آب سدر مصرف کند؛ زیرا متمکن است نه فاقد الماء و نه فاقد الخلیط و دلیلی هم بر تعیین غسل دوم و سوم نداریم، پس باید ترتیب رعایت بشود.

درس سیصد و چهل و هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

المیت المجروح

مسألة ۸. إذا كان المیت مجروحاً أو محروقاً أو مجدوراً أو نحو ذلك مما يخاف معه تناثر جلده یمم كما في صورة فقد الماء ثلاثة تیممات.

در روایت زید بن علی: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّقِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَيُّوبَ الْمُؤَصِّلِيِّ عَنْ إِسْرَائِيلَ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبَّيْعِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ قَوْمًا أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ - مَاتَ صَاحِبٌ لَنَا وَهُوَ مَجْدُورٌ فَإِنْ غَسَلْنَاهُ أَنْسَلَخَ فَقَالَ يَمُّوهُ»^۱.

برخی از فقها، مانند علامه و محقق ثانی می فرمایند: (تیمم)؛ زیرا واجب در غسل متعدد بود (سه غسل بود)، اکنون نیز باید سه تیمم باشد.
برخی دیگر می فرمایند: یک تیمم کافی است لوحده الاثر وهو الطهارة.

ان كل واحد من الاغسال الثلاثة كغسل الجنابه

و فيه اشكال: نقضاً: به غسل و وضو در استحاضه متوسطه که اگر از استعمال معذور بود، باید دو تیمم انجام دهد.
حلاً: در روایت وارد شده (ان كل واحد من الاغسال الثلاثة كغسل الجنابه) چنان که صاحب جواهر رحمته الله فرموده است.^۲

^۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۱۳، باب ۱۶ من ابواب غسل المیت.

^۲. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۱۳۳.

مسألة ۹. إذا كان الميت محرماً لا يجعل الكافور في ماء غسله في الغسل الثاني إلا أن يكون موته بعد طواف الحج أو العمرة و كذلك لا يحنط بالكافور بل لا يقرب إليه طيب آخر.

ادله ای که دلالت دارد بر تغسیل میت، مبنی بر سه غسل (مع ماء و سدر و ماء و کافور و ماء القراح) تخصیص خورده به محرم که غسل دومش را نباید با کافور انجام دهند و فرقی بین حج و عمره نیست، همچنین بین حج تمتع و قران و افراد نیست، چنان که فرقی بین عمره مفرده یا عمره تمتع نیست این یک استثناء (استثناء محرم از وجوب غسل یا کافور) استثناء دیگر (مگر اینکه موت محرم بعد طواف حج یا عمره باشد). و برخی از فقها بعد السعی را مطرح کرده اند.

الخروج من الاحرام

آن محرمی که استعمال طیب برایش حرام است در زمان حیات در زمان ممات نیز تغسیل آن یا کافور جایز نیست، چنان که در روایت نبوی آمده است: «أنَّ المحرم الميِّت لا يغسل بالكافور لأنَّه يحشر يوم القيامة مليباً»^۱.

بنابراین، محرم اگر بعد از خروج از احرام بمیرد باید او را غسل دهند با کافور. اما خروجش از احرام در چه موقع است. صاحب عروه می فرماید: بعد از طواف. لکن فیه اشکال؛ زیرا خروج حاج از احرام حج بعد از سعی است (بعد از بازگشت از منی و عرفات باید طواف حج کند و نماز خلف المقام انجام دهد و سعی بین صفا و مروه و طواف النساء و نماز طواف نساء انجام دهد). بعد از سعی قبل از طواف نساء از احرام حج خارج شده است و خروج معتمر از احرام از تقصیر است در عمر تمتع و بعد از تقصیر یا حلق (تراشیدن سر) در عمره مفرده.

مسألة ۱۰. إذا ارتفع العذر عن الغسل أو عن خلط الخليطين أو أحدهما بعد

^۱. المستدرک، ج ۲، ص ۱۷۷، باب ۱۳ من ابواب غسل المیت.

التیمم أو بعد الغسل بالقراح قبل الدفن يجب الإعادة و كذا بعد الدفن إذا اتفق خروجه بعده على الأحوط.

مرحوم سید می فرماید: اگر عذر برطرف شد آب یا خلیطین (سدر و کافور) پیدا شد بعد از تیمم یا بعد از غسل با آب قراح، قبل از دفن، باید غسل میت اعاده شود و همین طور بعد از دفن، اگر توسط زلزله یا از قیر خارج شد علی الاحوط.

و فيه اشكال: در بحث اجزاء می فرماید: امر اضطراری، مانند تیمم مجزی از واقع است، چون فرموده: «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»^۱

و قول معصوم عليه السلام التراب احد الطهورين و يكفيك عشر سنين، پس معلوم می شود عمل اضطراری مشتمل بر جمیع یا معظم مصالح است، پس مجزی است از واقع.

الاجزاء الامر الاضطراری او الظاهری عن الواقع

و در اجزای امر ظاهری از واقع که با قاعده طهارت یا استصحاب طهارت ثابت می شود و این قاعده یا استصحاب حاکم است بر اطلاق (لا صلوة الا بطهور) و گویا قاعده یا استصحاب توسعه می دهد در شرط صلوة. بنابراین، می توان گفت: تیمم چه امر اضطراری داشته باشد و چه امر ظاهری، مجزی از واقع است، پس شاید فرمایش مرحوم سید به خاطر موافقت با مشهور باشد یا امر ظاهری تخیلی را مجزی از واقع نمی داند.

يجب ان يكون التيمم بيد الحي

مسألة ۱۱. يجب أن يكون التيمم بيد الحي لا بيد الميت

وضو و غسل عبارت است از غسلات و مسحات و اجراء الماء على البدن بالمباشرة او بالنسبت، اگر خود شخص معذور است.

«و قد ورد في بعض الأخبار أن الصادق عليه السلام كان به وجع شديد فأمر العلمان أن

۱. مائده / ۶.

يصبوا الماء على بدنه في الاغتسال هذا كله في الغسل و الوضوء»^۱.

تیمم نیز مانند غسل و وضو می باشد و اگر مباشر عاجز است غیر او باید دست عاجز را بگیرد به زمین بزند و به صورت و دست هایش بکشد، مگر امکان نداشته باشد. بنابراین، نسبت به میت نیز باید چنین باشد و الاحوط آن است که تیمم حاصل شود به دست میت و به دست حی. به این معنا که حی ابتدا دست های میت را (از پشت سر میت به زمین بزند) و بر صورت و دست های میت بکشد تا دست راست میت به طرف راست پیشانی او و دست چپ او را طرف چپ پیشانی او قرار بگیرد، سپس دست های خود را به زمین بزند و بر صورت و دست های میت بکشد.

المیت المتیمم

مسألة ۱۲. المیت المغسل بالقراح لفقد الخلیطین أو أحدهما أو المتیمم لفقد الماء أو نحوه من الإعدار لا یجب الغسل بمسه و إن کان أحوط.

ممکن است استدلال شود برای عدم وجوب غسل می میت به روایت رب التراب و رب الماء واحد.^۲ اما بدلیت از سدر و کافور ثابت نشده.

جواب: سدر و کافور از شرایط است و لذا نباید آب از اطلاق خارج شود و کذا لک «التراب احد الطهورین»^۳. این ادله دلالت دارند که تیمم مانند متطهر است، اما نسبت به شخص دیگر، اگر میت را مس کند، مانند مس مغسل است محتاج به دلیل است، مثل اینکه بدن میت خونی و نجس باشد، تیمم بدن او را پاک نمی کند، فقط رافع حدث است نه خبث.

^۱. موسوعة الإمام الخوئی، ج ۹، ص ۵۵.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۰، باب ۱۴ من ابواب التیمم.

^۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۰، باب ۲۳ من ابواب التیمم.

درس سیصد و چهل و نهم

بسم الله الرحمن الرحيم

شرایط الغسل

فصل في شرائط الغسل: و هي أمور الأول نية القربة على ما مر في باب الوضوء. الثاني طهارة الماء. الثالث إزالة النجاسة عن كل عضو قبل الشروع في غسله بل الأحوط إزالتها عن جميع الأعضاء قبل الشروع في أصل الغسل كما مر سابقاً. الرابع إزالة الحواجب و الموانع عن وصول الماء إلى البشرة و تخليل الشعر و الفحص عن المانع إذا شك في وجوده. الخامس إباحة الماء و ظرفه و مصبه و مجرى غسلته و محل الغسل و السدة و الفضاء الذي فيه جسد الميت و إباحة الصدر و الكافور و إذا جهل بغصيبة أحد المذكورات أو نسيها و علم بعد الغسل لا يجب إعادته - بخلاف الشروط السابقة فإن فقدانها يوجب الإعادة و إن لم يكن عن علم و عمد.

در غسل نیت لازم است؛ زیرا تغسیل میت از عبادات است (واجب توصلی نیست، واجب تعبدی است) و انما الاعمال بالنيات و آب باید مباح باشد، با معصیت و چیزی که مبعوض مولا است نمی توان تقرب پیدا کرد.

شرایط الغسل الميت

مرحوم سید می فرماید: یکی از شرایط غسل آن است که آب غسل و ظرف آب و مجرای غسل و محل غسل و آن تخته یا سنگی که میت را بر روی آن غسل می دهند و قضا محل غسل و سدر و کافور مباح باشد، اگر غصبی باشد و بدانند که غصبی است، غسل باطل است، لکن اگر غاسل جاهل به غصبت باشد، یا می دانست که غصب است، و لکن هنگام غسل فراموش کرد، غسل صحیح است و اعاده آن لازم نیست. به خلاف شروط دیگر که علم و عمد در آنها دخیل نیست (مانند نیت، طهارة الماء ازالة نجاست، ازالة حواجب) اگر این شرایط وجود پیدا نکرد، گرچه جهلاً یا نسیاناً غسل باطل است.

شرط الاباحه ذکری و الباقي شرط واقعی

بنابراین، طبق فرمایش مرحوم سید صاحب العروه، علم و عمد در شرط اباحه (و عدم الغصب) دخیل است و شرط اباحه شرط ذکری، ولكن در باقی شرایط دخیل نیست و شرط، شرط واقعی است.

و فيه اشکال: ممکن است بر مرحوم سید اشکال شود؛ غاصب، تکلیف به اجتناب از غصب دارد، گرچه در حال نسیان؛ زیرا مقدمه اش اختیاری بوده. بله، البته در حال نسیان، تکلیف متوجه ناسی نیست، ولكن اگر نسیان عارضی باشد، نه به سوء اختیار و در آن موردی که خود شخص مالی را غصب کرد و فراموش نموده، حتی در حال فراموشی دستور اجتناب دارد و الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار.

مقدمات نسیان اختیاری بوده؛ زیرا غالباً بعد الغصب فراموش می کند الا اینکه این نسیان ناسی از سوء اختیار خود غاصب است و چیزی که مُبعد است مستحیل است مقرب باشد.

شرط ذکری و شرط واقعی

پیامبر اسلام ﷺ (طبق نقل مرحوم صدوق در کتاب توحید و کتاب خصال) فرموده است: «سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رُفِعَ عَنْ أُمَّي تِسْعَةُ الْخَطَا وَالنُّسْيَانُ وَ مَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُونَ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَ الْحَسَدُ وَ الطَّيْرَةُ وَ النَّفْكَرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفَاةٍ»^۱

و این جمله (ما لا يعلمون) غیر غاصب را شامل می شود که اگر فراموش نمود، از او بخشیده می شود و این نسیان معذر است، لکن غاصب را شامل نمی شود؛ زیرا تکلیف به اجتناب دارد، حدیث به جهت امتنان (و منت بر عباد الله) صادر شده است و غاصب که مال مردم را اتلاف نمود و بر آنان ظلم کرده، چگونه مورد امتنان قرار می گیرد.

و ما این جمله مرحوم سید که می فرماید: «... و اذا جهل بغصبية احد المذكورات ... لا يجب اعادته».

۱. التوحید، ص ۳۵۳.

و فيه اشكال: زیرا جاهل به واقع، واقع را عما هو علیه عوض نمی کند، جاهل، معذر است، نسبت به عقاب فقط، اما شیء حرام را مأمور به نمی کند. و چیزی که مأمور به نیست، مجزی از واقع نخواهد بود، حرمت واقعی دایرمدار علم و جاهل نیست، به حرمت خود باقی است و اگر جاهل (به حکم در شبهه حکمیه یا جاهل به موضوع در شبهه موضوعیه) انجام داد، تنها عقاب ندارد، لکن شیء منهی عنه مأمور به نخواهد شد. بنابراین، مجزی از واقع نمی باشد، پس باید غسل اعاده شود. البته ممکن است این کلام در رابطه با آب غسل و سدر و کافور صحیح باشد که جاهل به غصیت آنها معذر نیست.

ولکن نسبت به محل غسل و فضا و تخته و سنگ که میت را روی آن غسل می دهند و... اگر غسل جاهل به حرمت آنها بود (جاهل به حکم یا به موضوع) تغسیل آن نسبت به میت صحیح خواهد بود؛ زیرا مأمور به عبارت است از غسلات و مسحات (در سه غسل به آب سدر و کافور و قراح) و عبارت است از ریختن آب بر بدن و فرض ما آن است که آب مباح است، لکن مکان غسل غصبی است و غسل جاهل به غصب بودن یا جاهل به حرمت غصب است و تصرف غصب خارج از مأمور به است، با توجه به اینکه غسل جاهل است، لذا می توانیم بگوییم، غسل صحیح است.

التغسیل من وراء الثياب

مسألة ۱. يجوز تغسیل الميت من وراء الثياب و لو كان المغسل مماثلاً بل قيل إنه أفضل و لكن الظاهر كما قيل إن الأفضل التجرد في غير العورة مع المماثلة.

مرحوم سید می فرماید: تغسیل میت از زیر لباس جایز است، گرچه مغسل مماثل (میت) باشد، بلکه گفته شده که افضل است، و لکن ظاهر آن است که افضل تجرد است در غیر عورت با مماثلت (مغسل یا میت، مرد را مرد و زن را زن غسل می دهد).

در روایت یونس آمده بود که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده: «عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلِهِ عَنْ يُونُسَ عَنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ غُسْلَ الْمَيِّتِ فَضَعَهُ عَلَى الْمُغْتَسَلِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ فَأَخْرِجْ يَدَهُ مِنَ الْقَمِيصِ وَاجْمَعْ قَمِيصَهُ عَلَى عَوْرَتِهِ وَارْفَعَهُ مِنْ رِجْلَيْهِ

إِلَى فَوْقِ الرُّكْبَةِ وَ...»^۱.

پس امر شده به تغسیل مجرداً، لکن در برخی از روایت فرموده: غسل بده میت را (فوق الثیاب). منها صحیحه یعقوب بن یقین.

«وَلَا يُغَسَّلَنَّ إِلَّا فِي قَمِيصٍ يُدْخِلُ رَجُلٌ يَدَهُ وَيَصُبُّ عَلَيْهِ مِنْ فَوْقِهِ»^۲.

برخی گفته‌اند روایت یونس مرسله است لان ابراهیم بن هاشم بیروی عن رجاله. ولکن این جمله، مانند جمله‌ای است که برای مرحوم کلینی رحمته الله گفته شده «بیروی عن عدة من اصحابنا». قطعاً ثقاتی در میان آن عده یا آن رجال وجود دارد و عاده ممکن است عده‌ای از رجال در روایتی اجتماع کند و ثقه در بین آنان نباشد، پس ممکن است گفته شود صحیحه ابن یقین مقید شود به تمکن؛ زیرا در صحیحه ابن مسکان آمده: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ فَغَسِّلُهُ مِنْ تَحْتِهِ»^۳.

معمولاً چون میت در ایام مرض نتوانسته تنظیف کند. شاید مراد از استطاعت آن است، اگر غسل می‌تواند از زیر لباس او را غسل دهد و الا او را مجرد کند، پس مستحب است تغسیل من وراء الثیاب در صورت تمکن.

البته به تبع بدن میت آن لباسش نیز پاک بشود، بعد از اغسال ثلاثه؛ زیرا در روایات اشاره‌ای به تطهیر ملابس میت و عصر آنها و خروج غسله از آنها.

مقرر: سید محمد رضا دباحی

تیپ و تنظیم رحیمی

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

^۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۰، باب ۲ من ابواب غسل المیت، حدیث ۳.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۲ من ابواب غسل المیت.

^۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۹، باب ۲ من ابواب غسل المیت.